

درس اول:

نقشه نوشتن

این شهر خوش نقشه
این نقشه اول نوشته یازدهن مرتبه
چگونه با چوبسالی بنویسیم
حز طول سفر ایستگاهها را
سور این شهر هموار است
اگر در این زمین برش همینا
سفر نوشتن آغاز کنیم
و نقشه شماره سفر نوشتن

این نقشه اول نوشته یازدهن مرتبه
چگونه با چوبسالی بنویسیم
حز طول سفر ایستگاهها را
سور این شهر هموار است
اگر در این زمین برش همینا
سفر نوشتن آغاز کنیم
و نقشه شماره سفر نوشتن
معمولاً در سفر نوشتن
هر وقت که می خواهیم
نقشه بنویسیم
این شهر خوش
این نقشه اول نوشته
چگونه با چوبسالی بنویسیم
حز طول سفر ایستگاهها را
سور این شهر هموار است
اگر در این زمین برش همینا
سفر نوشتن آغاز کنیم
و نقشه شماره سفر نوشتن
معمولاً در سفر نوشتن
هر وقت که می خواهیم
نقشه بنویسیم

نقشه نوشتن

با ورود معلّم به کلاس، شور و نشاط دانش‌آموزان، بیشتر شد. معلّم خوش‌فکر، درس را آغاز کرد و گفت: می‌دانم که شما نوشتن را از همان سال‌های آغازین دبستان، آموخته‌اید اما از امسال، چگونه نوشتن را به‌طور روشمند، خواهید آموخت. اکنون، اجازه بدهید با یک مثال، کمی بیشتر توضیح دهیم.

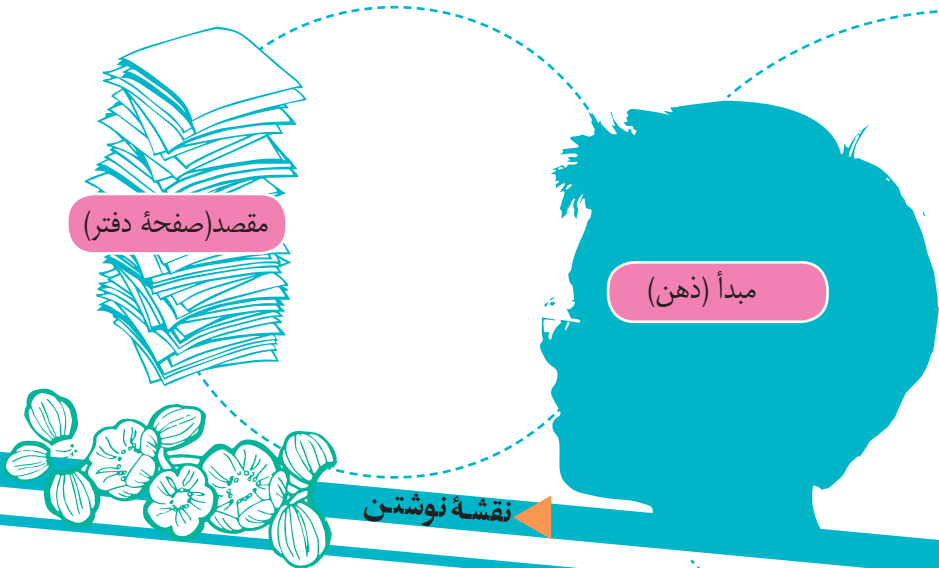
عزیزانم، نویسندگی شبیه یک سفر است؛ یک سفر واقعی و گاه خیالی؛ یک سفر خاطره‌انگیز و پرماجرا. در سفر نویسندگی، من و شما همراهانی هستیم که می‌خواهیم به شهری بسیار زیبا، پر نقش و نگار و دلفریب، رهسپار شویم. پیش از سفر، لازم است هم من و هم شما به پرسش‌هایی فکر کنیم و به آنها پاسخ دهیم:

- این شهر خوش نقش و نگار، کجاست؟
- آیا نقشه‌ای از آن در دست یا در ذهن داریم؟
- چگونه و با چه وسیله‌ای باید به سوی آن برویم؟

- در طول سفر، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد؟
- مسیر این شهر، هموار است یا از سرگردانه‌ها و از دل دره‌ها می‌گذرد؟

اگر دربارهٔ این پرسش‌ها بیندیشیم و نقشهٔ راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم؛ آن‌گاه، می‌توانیم سفر نوشتن را آغاز کنیم؛ بی‌آنکه نگرانی و هراسی داشته باشیم.

به نظر شما، در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز و پایان کجاست؟ معمولاً تصور می‌شود، نوشتن بانگارش کلمات بر روی صفحهٔ کاغذ شروع می‌شود؛ در حالی که چنین نیست. هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنهٔ کاغذ، در ذهن نویسنده، طبقه‌بندی و نوشته می‌شود. هر قدر این فرایند (نگارش و طبقه‌بندی ذهنی) کامل‌تر باشد، نوشتهٔ ما نمود بهتری خواهد داشت؛ بنابراین در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان سفر «صفحهٔ دفتر» شماست.



اکنون باید مسیر ذهن تا صفحهٔ دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم آنچه در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحهٔ دفتر بیاوریم. طبقه‌بندی ذهن، گام اول در تهیهٔ نقشهٔ سفر نوشتن است؛ این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشتهٔ ما را نشان می‌دهد. در نمایهٔ زیر، **مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتن** را می‌بینیم:

موضوع

مقدمه
(زمینه‌سازی)

تنه / بدنه
(متن نوشته)

نتیجه
(جمع‌بندی)

شکل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتن می‌کند؛ برای خودش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه این طبقه‌بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتن متنی دقیق و منسجم است. متن‌های دقیق و منسجم، خوانندگان را سر در گم نمی‌کنند. یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشته، طراحی **ساختمان نوشته** است. شکل زیر، **ساختمان ساده و طبقه‌بندی اولیه ذهن و نوشته** را نشان می‌دهد.

The form is a vertical writing template with a light blue border. At the top and bottom, there are decorative floral illustrations in green and white. The template is divided into several sections:

- موضوع (Topic):** A light green rectangular box at the top with a small label 'موضوع' on the right side. It contains two horizontal dotted lines for writing.
- بند مقدمه (زمینه‌سازی) (Introduction):** A light blue rectangular box with a label 'بند مقدمه (زمینه‌سازی)' on the right side. It contains four horizontal dotted lines.
- بندهای بدنه (متن نوشته) (Body Paragraphs):** A large light brown rectangular box with a label 'بندهای بدنه (متن نوشته)' on the right side. It contains ten horizontal dotted lines. To the right of this box, there are three labels: 'بند اول' (top), 'بند دوم' (middle), and 'بند سوم' (bottom), each in a small light blue box. To the left of the box, there is a vertical column of ten small blue diamond shapes.
- بند نتیجه (جمع‌بندی) (Conclusion):** A light yellow rectangular box at the bottom with a label 'بند نتیجه (جمع‌بندی)' on the right side. It contains two horizontal dotted lines.

اکنون نوشته زیر را با هم بخوانیم و به نقشه ذهنی و ساختمان نوشته، توجه کنیم:



موضوع

دل، آشیانه محبت

بند مقدمه (زمینه‌سازی)

هر چیزی، مرکزی دارد. قلب و مرکز بدن ما انسان‌ها **دل** است که مخزن و گنجینه وجود به شمار می‌آید. این گنجینه، نیاز به مراقبت دارد.

بندهای بدنه

اگر راستش را بخواهید دلم خالی از زشتی‌ها، پاک و سفید است. من در فضای دلم هیچ جست‌وجویی ندارم که همه حرف‌ها را برایم بیابد و به من نشان دهد؛ اما در دلم توان و نیرویی بسیار فعال است و دوست و دشمن، راستی و دروغ و خوبی و بدی را فوراً شناسایی می‌کند و به هر کس اجازه ورود نمی‌دهد. به همین سبب، در دلم جز خوبی‌ها چیزی نیست. در دلم به روی دوستان، همیشه باز است تا آزادانه بیایند و بروند و هر روز به تعداد دوستانم افزوده شود. تلاش می‌کنم؛ دوستان را نرنجانم. از کسانی که با لطف و محبت می‌خواهند دلشان را پاک و بی‌کینه و زیبا نشان بدهند، خوشم می‌آید؛ چون آنها آدم‌های مهربانی هستند؛ هم خود را و هم دیگران را دوست می‌دارند. این، کار بسیار خوبی است.

بند نتیجه (جمع‌بندی)

دل، اصلی‌ترین بخش خانه وجود ماست. همه ارزش دل‌ها به سادگی و پاکی آنهاست. شادابی و سرزندگی یک کشور هم به جوانانی وابسته است که دلی پاک و بی‌کینه، اما استوار و بی‌باک دارند. پس دلمان را سرشار از نور ایمان و لبالب از حضور دوستان کنیم.



◆ نوشته‌ی زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند با دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما پرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما با کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و با دیگران سخن بگوییم. ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست تکان می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبصرِ کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم، پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکتِ سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

◆◆ اکنون از میان موضوع‌های زیر یکی را انتخاب کنید، نخست کمی درباره آن
ببندیشید؛ پس از شکل‌گیری نقشه ذهنی؛ سفر نوشتن را آغاز کنید:

◆ پاییز ◆ حیاط مدرسه ◆ روزی را که دوست دارم، تکرار شود

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



◆◆◆ یکی از انشاهای عضو گروه خود را انتخاب و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش نویس (داشتن نگاشتِ اوّل)
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (نوشتن بند مقدمه، نوشتن بندهای بدنه و بند نتیجه)
- ◆ شیوه خواندن

نتیجه بررسی و داوری :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصّش گرفت.

جملهٔ الف، درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

.....

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگران بشی.

.....

تصویر نویسی
انشای آزاد

◆ آنچه در تصویر زیر می‌بینید؛ بنویسید.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



▶ آیا خواننده نوشته شما بدون اینکه تصویر را ببیند، می‌تواند تنها با خواندن نوشته شما تصویری از آن داشته باشد؟